

The Judiciary and Legal Thought in Sa'adi's Word

(Type of Paper: Research Article)

Mohammad Eshaghi*

Abstract

Sa'adi should be considered more than a poet or literary man; he is also a great scientist, scholar and jurispudent. Based on the Quran and Ahllobeyt (members of prophet Mohammad's family)'s teachings, he has created a prism in terms of prose and poetry as a monument. It is well-known that the works of Sa'adi cover various topics. This research is an endeavor to understand his less-known legal thoughts . It is possible to find many legal topics in the works of Sa'adi regarding constitutional, administrative, criminal, and procedural law that are compatible with Islamic jurisprudence. The findings of this research show that Sa'adi's works include various legal points in the said fields which can explain his legal thoughts.

Keywords

legal thought, Sa'adi, legal system, Bustan and Gulistan.

* Assistant Prof, Department of jurisprudence and the foundations of Islamic law group, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.eshaghi.a@ut.ac.ir
Received: June 16, 2019 – Accepted: July 12, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

نظام قضایی و اندیشه حقوقی در کلام سعدی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمد اسحاقی*

چکیده

سعدی، پیش از آنکه شاعر و ادیب باشد، دانشمند، فقیه و اندیشمند بزرگی است که براساس معارف قرآن و اهل بیت (ع) منظومه فکری را در قالب نثر و نظم پدید آورد و از خود به یادگار گذاشت. آثار سعدی، معارف جامعی را بیان می‌دارد که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. این پژوهش تلاشی برای شناخت وجهی کمتر پرداخته شده از وجوه متنوع و متکثر سعدی علیه‌الرحمه یعنی اندیشه‌های حقوقی اوست. در این تحقیق برای شناخت اندیشه‌ها و آثار سعدیاز منظر فقه، قضا و حقوق برخی حکایات و داستان‌هایی که واجد عناصر وابسته به فقه، قضا، جزا و حقوق است، مطالعه و بررسی می‌شود. براساس نتایج پژوهش در آثار سعدی موضوعات، مسائل و نکات حقوقی متعددی در زمینه حقوق اساسی، حقوق دیوانی و اداری، نظام قضایی، حقوق جزا و آیین دادرسی وجود دارد که با نظام و احکام حقوقی و قضایی اسلام منطبق است و بر این اساس می‌توان اندیشه‌های حقوقی سعدی را تبیین کرد.

کلیدواژگان

اندیشه حقوقی، سعدی، گلستان و بوستان سعدی، نظام حقوقی.

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: m.eshaghi.a@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

مقدمه

بی‌تردید، سعدی از سرآمدان سخن و ادب در ایران و جهان است که کمتر ادیب و سخن‌سرایی توان هموردی با او را در عرصه معنا و لفظ دارد. اندیشه‌های ناب سعدی برگرفته از معارف اصیل اسلامی و دانش قرآنی، در قالب زبان شیوای پارسی، آنچنان تابناک است که گرد غبار زمانه از گذشته‌های دور تاکنون نتوانسته آن را دچار کمرنگی و کم‌فروغی کند و همچنان در صحنه ادب و اندیشه، غرورآفرینانه درخششی پایدار و پابرجا دارد. گستردگی و ژرفنای اندیشه‌ها و مضامین مورد اشاره در آثار به‌جای‌مانده از او، ضمن آنکه صاحبان اندیشه و عقول را به دانش و اندیشه و بینشی نو رهنمون می‌شود، موجب طراوت جان و روح و زلالی اندیشه‌های انسان معاصر نیز می‌شود. آثار سعدی از یک‌سو دارای مضامین حکمی و فلسفی است و از سوی دیگر حاوی نکات و سجایای اخلاقی و تربیتی؛ از یک‌سو مضامین عالی عرفانی را در قالبی شیوا، به بشریت هدیه می‌دهد و از سوی دیگر با ذکر وقایع و حکایات حقوقی و قضایی، دورنمایی از حقوق عمومی و نظم اجتماعی، نظام قضایی و سیاست جنایی حاکم در آن دوران را به نمایش می‌گذارد. علم سیاست و اجتماع و اخلاق و عرفان و تربیت و تدبیر منزل و طنز و مطایبه موجود در آثار ایشان، زمینه‌ای را برای محققان و پژوهشگران عرصه‌های گوناگون علمی فراهم کرده است تا بتوانند با غور در آنها ره‌آوردی برای بشر در زمان کنونی داشته باشند. هرچند در این مسیر، ابهام‌ها و مشکلاتی رخ می‌نماید که به وضعیت تاریخ‌نگاری در آن اعصار برمی‌گردد. چنانکه گفته شد، آثار سعدی، واجد جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و قضایی، اقتصادی و سیاسی است و از هر منظر و زمینه‌ای قابل بررسی است. این نوشتار، بر آن است نگاهی نو به اندیشه‌ها و آثار سعدی، از منظر فقه و قضا و حقوق داشته باشد و برخی حکایات و داستان‌های واجد عناصر وابسته به فقه و قضا و جزا و حقوق را مطالعه و بررسی کند. به‌نظر می‌رسد در این زمینه کمتر کار شده است، از این‌رو زیننده است در این عرصه پژوهش‌ها و مطالعات بایسته به انجام رسد و دانشمندان فقه و حقوق اندیشه‌های حقوقی و قضایی این ملت را در موارث فرهنگی از این دست نیز جست‌وجو کرده‌اند، تا جایگاه و منزلت شیخ اجل سعدی بیش از پیش شناخته شود و این نوشتار بی‌تردید در ابتدای راهی بس طولانی قرار می‌گیرد.

هدف اصلی این پژوهش شناخت موضوعات و مسائل فقهی، حقوقی و نظام قضایی موجود در آثار سعدی و میزان انطباق آن با قواعد و اصول فقهی و حقوقی است. همچنین این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست: جایگاه حقوق عامه و نظام و مسائل قضایی در اندیشه سعدی چگونه است؟ چه موضوعات و مسائل حقوقی و قضایی در آثار سعدی به چشم می‌خورد؟ تا چه حد مطالب قضایی و حقوقی بیان‌شده، با دانش فقهی و حقوقی و قواعد آن سازگار است؟

این تحقیق که به بررسی اندیشه‌های سعدی در زمینه حقوقی می‌پردازد، از نوع مطالعات اکتشافی و اسنادی یا کتابخانه‌ای است و در استفاده از اسناد و متون از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. مطالعه اکتشافی در مواردی انجام می‌گیرد که شناخت کافی در آن باره قبلاً ایجاد نشده باشد یا اطلاعات موجود کافی نباشد. در روش تحلیل محتوا نیز، بیشتر به فکرهایی می‌پردازد که در متن یا سند به کار رفته است؛ اگرچه به‌طور معمول کلمه‌ها، فکر را بیان می‌کنند، در تحلیل محتوا روی کلمه تأکید نمی‌شود، بلکه معنای آنها مورد توجه است و گاهی یک مطلب یا یک جمله کامل یا حتی یک سند در مجموع، تحلیل می‌شود و منحصر به کلمات نمی‌شود (طالب، ۱۳۸۰: ۲۴).

جامعه آماری نیز عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که دست‌کم یک صفت مشترک داشته باشند. در این پژوهش آثار سعدی شامل گلستان، بوستان، غزلیات، قصائد و رسایل که در کتابی با عنوان کلیات سعدی به اهتمام مرحوم محمدعلی فروغی گرد آمده است، بررسی شد و آن دسته از این آثار که به‌نحوی، واجد موضوعی از موضوعات حقوقی و قضایی بود، شناسایی و از منظر فقهی و حقوقی بررسی شد.

نظام قضایی در روزگاران سعدی

پی بردن به وضعیت فرهنگی و اجتماعی از یک‌سو، و نظام قضایی و دادرسی از سوی دیگر، در دوران زیست سعدی و تدوین و نگارش گلستان و بوستان، امری ضروری است. «قرون هفتم و هشتم هجری، وحشتناک‌ترین دوران تاریخ ایران به‌علت قتل‌عام‌ها و کشتارها و ویرانی‌های پیاپی است. این وضع با حمله مغول و اتفاقات بعد از آن شروع شد و با تاخت‌وتازهای مایوسانه فرزندان محمد خوارزمشاه و سرداران و سپاهیان نالایق و بی‌کفایت او تکمیل شد و سپس با حمله مجدد مغول در زمان هلاکو و آزارهای جان‌شینان وی بر ایرانیان ادامه یافت» (صفا، ۱۳۶۶، ج ۳: ۴۹). «بنا به شواهد تاریخی، ایران سال‌هایی بدتر از سال‌هایی که سعدی در آن می‌زیسته از سر نگذرانیده است» (موحد، ۱۳۷۳: ۴۶). «مهم‌ترین دیوان در تشکیلات اداری دوران ایلخانی در قرن هفتم، دیوان قضا بوده است. چنانکه منصب قضا منصبی پر احترام نزد مردم بوده و مقام قاضی‌القضاتی در رأس همه امور شرعی قرار داشته است. این منصب به لحاظ درجه اهمیت، پس از منصب وزیر بزرگ، در نظام حکومتی قرار می‌گرفته و از جانب سلطان و با فرمان او انتخاب می‌شده است. همچنین به قاضی، حاکم نیز گفته می‌شده است. این نامگذاری به‌علت حکمی بوده که قاضی در دعاوی صادر می‌کرده است» (فقیه ملک مرزبان، ۱۳۹۱: ۲۶).

ارکان یک اندیشه حقوقی

با بررسی‌های انجام‌گرفته، می‌توان تقریباً همه ارکان یک اندیشه استوار در مسائل حقوقی و قضایی را در آثار سعدی شناسایی کرد. افزون بر مفاهیمی همچون عدالت، نظم اجتماعی، حقوق اساسی و عمومی، حقوق دیوانی و اداری، می‌توان نکاتی در خصوص فلسفه مجازات، لزوم تناسب بین جرم و مجازات و توجه به بازدارندگی مجازات، توبه و اصلاح مجرم، حقوق متهم و محکوم، زندان و زندانی و خانواده زندانیان، قضاوت و قاضی و شرایط آن، ادله اثبات دعوا و حتی توجه به مجازات‌های جایگزین و نکاتی دیگر را یافت که از بزرگی اندیشه و دانش و قلم و بیان سعدی حکایت دارد. با توجه به گستردگی مباحث و کوتاهی مجال، تنها به بررسی برخی از این موارد بسنده می‌شود.

۱. عدالت: بی‌تردید یکی از مفاهیم محوری در حقوق و قضا، تأمین عدالت و رفع و دفع ظلم و بیدادگری و ستم و ناحقی است. با توجه به ظرف زمانی که سعدی می‌زیسته و پهنه ایران‌زمین آماج تاخت‌وتاز بیگانگان و زورآزمایی طوایف و جنگ داخلی بوده است، به‌طور طبیعی ظلم و ستم بیداد می‌کرده و قدرتهای حاکم در هر زمانی بدون رعایت حقوق عامه، به تجاوز و سرکشی ادامه می‌دادند و از همین رو موضوع عدالت، به گونه‌های مختلف چه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، مورد توجه سعدی بوده و سعی وی بر این بوده است که به زبان نثر و نظم و در قالب حکایت و داستان و در عین اینکه از شوخی و مزاح و طیبیت هم خالی نیست، ولی در نهایت سنگینی و متانت، حاکمان، والیان، قدرتمندان و زورمداران را بنوازد. برای پی بردن به این گرایش سعدی، کافی است نیم‌نگاهی به کتاب *نصیحه‌الملوک* سعدی داشته باشیم که جای جای آن -چنانکه از اسمش پیداست- از شرافت عدالت و دادگری و تقبیح ظلم و ستم، بیدادگری حاکمان به چشم می‌خورد. در آستانه این کتاب می‌نویسد: «ملوک جهان را نصیحت رب‌العالمین بسنده است که در کتاب مجید می‌فرماید: و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل. و دیگر فرمود ان‌الله یأمر بالعدل والاحسان» (سعدی: ۱۳۶۸: ۸۷۱). به‌طور کلی شیوه سعدی بر این منوال بود که به‌جای برخورد سخت و شدید، به ذکر آثار و فواید و پیامدهای حاکمیت عدل و داد و رفتار عادلانه و نیز شیوع ظلم و ستم و نابرابری اجتماعی می‌پردازد. از همین منظر به چند نمونه اشاره می‌شود:

«پادشاهانی که مشفق درویش‌اند، نگهبان ملک و دولت خویش‌اند، بحکم آنکه عدل و احسان و انصاف خداوندان مملکت، موجب امن و استقامت رعیت است و عمارت و زراعت بیش اتفاق افتد؛ پس نام نیکو و راحت و امن و ارزانی غله و دیگر متاع باقصای عالم برود و بازرگانان و مسافران رغبت نمایند و قماش و غله و دیگر متاعها بیارند و ملک و مملکت آبادان شود و خزاین معمور و لشگریان و حواشی فراخ دست، نعمت دنیا حاصل و بثواب عقبی واصل و اگر طریق ظلم رود برخلاف این.

ظالم برفت و قاعده زشت ازو بماند
عادل برفت و نام نکو یادگار کرد»
(سعدی: ۱۳۶۵: ۸۷۱).

در جایی دیگر پادشاهان را این‌گونه در باب رعایت عدل و داد نصیحت می‌کند: «پادشاهان به رعیت پادشاه‌اند؛ پس چون رعیت بیازارند، دشمن ملک خویشند. پادشاهان سرند و رعیت جسد، پس نادان سری باشد که جسد خود را بدنشان پاره کند» (سعدی، ۱۳۶۵: ۸۷۸).
همچنین برای بیان واقعیت ظلم و آثار آن در جهان آخرت، گفت‌وگوی پادشاه ظالمی را با زاهدی این‌گونه نقل می‌کند: «یکی از پادشاهان ظالم، زاهدی را گفت: حال پادشاهان بقیامت چگونه باشد؟ گفت: سلطان عادل که جانب حق نگاه دارد و خاطر خلق نیازارد و سایه همت بر مال رعیت توانگر نیندازد در دو گیتی پادشاه باشد.

دادگر اندر دو جهان پادشاست
ورنه هم آنجا و هم اینجا گداست»
(سعدی، ۱۳۶۵: ۸۸۲)

همچنین از این منظر توجه به باب اول گلستان - که سعدی به سیرت پادشاهان اختصاص داده و در آن با ذکر حکایات گوناگون از افعال و کردار پادشاهان و حاکمان که به‌گونه‌ای به تضییع حقوق و آزادی‌های مردمان منجر شده و به همین بهانه به عتاب و انتقاد از آنان پرداخته است - ضروری است:

«یکی از ملوک بی‌انصاف پارسایی را پرسید: از عبادت‌ها کدام فاضل‌ترست؟ گفت: ترا خواب نیم‌روز، تا در آن، یک نفس خلق را نیازاری؛

ظالمی را خفته دیدم نیم‌روز
گفتم این فتنه است خوابش برده به
وآنکه خوابش بهتر از بیداری است
آنچنان بد زندگانی مرده»
(سعدی، ۱۳۶۵: ۴۵ و ۴۶)

از همین حیث ذکر حکایت زیر خالی از فایده نیست: «درویشی مستجاب‌الدعوه در بغداد پدید آمد. حجاج یوسف را خبر کردند، بخواندش و گفت: دعای خیری بر من کن. گفت: خدایا جانش بستان. گفت: از بهر خدای، این چه دعاست؟ گفت: این دعای خیرست تو را و جمله مسلمانان را؟

ای زبردست زیر دست آزار
گرم تا کی بماند این بازار
به چه کار آیدت جهان‌داری
مردنت به که مردم آزاری»
(سعدی، ۱۳۶۵: ۴۷)

۲. لزوم حاکمیت حکم شرع بر همه تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌ها: در یکی از فرازهای بوستان، سعدی با ذکر یک عمل ساده و روزمره همچون «آب خوردن» و عملی بس خطیر و

سنگین همچون «قتل و کشتن» بر داشتن مجوز شرعی در تمامی اعمال و رفتار تأکید می‌کند. بر این اساس تمامی تصمیم‌گیری‌ها و اقدام‌های افراد به‌خصوص زمامداران، حاکمان و کارگزاران باید بر مدار شرع و براساس فتوا و حکم الهی باشد، در این صورت است که برای عامل به احکام الهی که به قطعیت جواز عمل براساس شرع و تکلیف رسیده است، تفاوتی بین عمل مباحی همچون آب خوردن و قتل نخواهد بود:

«نه بر حکم شرع آب خوردن خطاست
وگر خون به فتوی بریزی، رواست
کرا شرع فتوی دهد بر هلاک
ألا تا نداری زکشتنش، باک»
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۶).

۳. بلوغ، مسئولیت و رشد: هر انسانی در زندگی خود مراحل مختلفی را سپری می‌کند. این مراحل از مرحله جنینی شروع شده و پس از مرحله زندگی این‌جهانی، به مرحله زندگی پس از مرگ و حیات جاویدان منتهی می‌شود. بی‌تردید هر کدام از این مراحل اهمیت فراوانی در تکوین و شکل‌گیری سرنوشت انسان دارد و در هر مرحله تغییرات اساسی در ظاهر و باطن انسان پدید می‌آید و به همین سبب اقتضائات، ویژگی‌ها و الزامات هریک از این مراحل برای صاحب‌نظران و دانشمندان رشته‌های مختلف علوم اهمیت زیادی دارد و هریک از آنان از منظر خود به آن پرداخته‌اند. در این میان آنچه دانش حقوق به‌دنبال آن است، تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها و تضمین آن است که از طریق اعمال مجازات‌ها و الزام به تأمین ضرر و زیان وارده به فرد و جامعه است که همه آنها مشروط به وجود مسئولیت و مسئولیت نیز مشروط به وجود شرایطی است. از این حیث موضوع مسئولیت، از موضوعات مهم در علم حقوق محسوب می‌شود. مسئولیت اعم از مدنی و کیفری، مشروط به شرایطی همچون بلوغ، عقل، اختیار و اراده است که در صورت فقدان آن در برخی موارد مسئولیت به‌طور مطلق یا نسبی از مرتکب برداشته می‌شود. یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری «کودکی و صغارت» است. بر این اساس اگر کودکی که به سن بلوغ شرعی نرسیده است، مرتکب جرمی شود، هرچند عمدی باشد، مجازات از او برداشته می‌شود، ولی از نظر جبران ضرر و زیان وارده که از آن به مسئولیت مدنی تعبیر می‌شود، همچنان باقی است و سرپرست و ولی وی مسئول جبران خسارت خواهد بود.

ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «افراد نابالغ، مسئولیت کیفری ندارند» و در ماده ۱۴۷ همان قانون مقرر شده است: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است». همچنین براساس تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی که در سال ۱۳۷۰ به ماده مزبور ملحق شد، «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است».

موضوع بلوغ در علوم مختلفی همچون فقه، حقوق، علوم تربیتی، روان‌شناسی و دانش اجتماعی کاربرد دارد و مورد توجه و بررسی صاحب‌نظران آن علم قرار می‌گیرد. به‌طور کلی

بلوغ با یک‌سری تغییرات بیولوژیک همراه است که در پسران بین یازده تا پانزده‌سالگی و در دختران بین نه تا دوازده‌سالگی ظاهر می‌شود.

بلوغ را می‌توان به بلوغ جنسی و بلوغ سنی تقسیم کرد. نشانه بلوغ جنسی، احتلام و روییدن موی زهار است و در بلوغ سنی نیز در روایات و آرای فقها، سنین مختلفی ذکر شده است که قول مشهور فقهای امامیه بر پانزده سال تمام برای پسر و نه سال تمام برای دختر مستقر شده است. ذکر این مقدمه برای درک بهتر قلم و بیان رسا و زیبای سعدی ضروری است؛ آنجا که در یکی از حکایات گلستان، با هنرمندی، این موضوع را به زیور نثر و نظم می‌کشد. در زیر ضمن نقل کلام سعدی، به برخی از نکات موجود در آن اشاره می‌شود:

«طفل بودم که بزرگی را پرسیدم از بلوغ؛ گفت: در مسطور آمده است که سه نشان دارد: یکی پانزده‌سالگی و دیگر احتلام و سیم بر آمدن موی پیش؛ اما در حقیقت یک نشان دارد بس، آنکه در بند رضای حق جل و علا، بیش از آن باشی که در بند حظ نفس خویش و هر آنکه درو این صفت موجود نیست بنزد محققان بالغ نشمارندش.

بصورت آدمی شد قطره آب	که چل روزش قرار اندر رحم ماند
وگرچل ساز را عقل و ادب نیست	بتحقیقش نشاید آدمی خواند
جوانمردی و لطفست آدمیت	همین نقش هیولانی مپندار
هنر باید که صورت می‌توان کرد	بایوانها در از شنگرف و زنگار
چون انسان را نباشد فضل و احسان	چه فرق از آدمی تا نقش دیوار
بدست آوردن دنیا هنر نیست	یکی را گر توانی دل بدست آر»

(سعدی، ۱۳۶۵: ۱۵۹)

در این حکایت نکات فراوان قابل اشاره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. سعدی - آنچنان‌که از این حکایت هویدا می‌شود- پیش از بلوغ و در دوران کودکی، پیگیر احکام و مسائل شرعی و انجام وظایف و تکلیف بود و به همین سبب به دنبال دانستن شرایط و نشانه‌های آن بود. آنجا که می‌فرماید: « طفل بودم که بزرگی را پرسیدم از بلوغ...».

۲. در پاسخ به پرسش سعدی، آن بزرگ‌مرد (که احتمالاً از بزرگان و عالمان دینی است) ابتدا نشانه‌های ظاهری بلوغ -سه نشان بلوغ که در کتاب‌های فقهی به آن اشاره شده است- و سپس نشانه‌های باطنی آن را برای سعدی بر می‌شمارد. پس از ذکر نشانه‌های ظاهری سه‌گانه، سعدی از قول آن بزرگ، واقعیت بلوغ و رسیدن به رشد و تعالی و خروج از دوران کودکی و طفولیت را یک چیز اعلام می‌کند: «...اما در حقیقت یک نشان دارد و بی‌آنکه در بند رضای حق جل و علا بیش از آن باشی که در بند حظّ نفس خویش».

۴. زندان، زندانی و خانواده زندانیان: حبس و زندانی کردن مجرمان و محکومان از مجازات‌هایی است که از دیرباز تاکنون در تمام جوامع و حکومت‌ها و در تمام زمان‌ها معمول و مرسوم بوده است. رعایت انصاف و عدالت در مورد محکومان از امور پسندیده و مورد تأکید دین مبین اسلام است و در آموزه‌های دینی سفارش‌های فراوان در این زمینه وجود دارد. امروزه، زندانبانی، به صورت علم درآمده و زندانبانان علاوه بر رعایت حقوق زندانیان، برای ارائه مشاوره‌های لازم به آنان آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند. زندان سالم در حقیقت فرصتی را برای بزهکار فراهم می‌کند تا با اندیشه در کارهای نابخردانه خویش و همچنین بهره‌گیری از مشاوره‌های سازنده و نیز یادگیری حرفه و صنعتی خاص از رفتارهای ضداجتماعی خود دست بکشد و به عنوان یک عنصر سازنده و همراه با دیگر اقشار اجتماع به جامعه برگردد. در عین حال، سلب آزادی افراد به هر دلیلی پیامدهای منفی را برای فرد زندانی و خانواده او و در نتیجه جامعه خواهد داشت. به همین سبب در احکام اسلامی، به صورت محدود و برای برخی جرائم که آزادی زندانی برای جامعه خطرناک باشد، به ناچار حکم به زندانی کردن مجرم داده می‌شود. در عین حال برای محکوم کردن هر متهمی، قاضی باید به دقت عمل کند تا بی‌گناهی، بدون دلیل به زندان محکوم نشود یا بیش از اندازه در زندان نگه داشته نشود و در عین حال سرکشی و رسیدگی به خانواده او نیز از تکالیف و وظایف حاکم شمرده می‌شود. با بررسی آثار سعدی این نکته معلوم می‌شود که زندان در آن عهد و زمان از مجازات‌های رایج بوده و به همین علت، سعدی هنگام نصیحت ملوک و حاکمان، نه تنها از این موضوع غفلت نداشته است، بلکه به خوبی جوانب امر بر او مکشوف بوده و به همین سبب در خصوص زندان و زندانی به ظرافت نکاتی را یادآور می‌شود.

غربالگری زندانیان و یافتن زندانی بی‌گناه احتمالی و نیز آزاد کردن زندانیانی که مرتکب جرم‌های کوچک شده‌اند، از تأکیدات مکرر سعدی در این باب است. در جایی از کتاب نصیحه الملوک این‌گونه رهنمود می‌دهد: «در هر دوسه ماه، شحنة زندان را بفرماید بغوص احوال زندانیان کردن، تا بی‌گناهان را خلاص دهد و گناه کوچک را پس از چند روزی ببخشد و زندان قاضی را همچنین نظر فرماید» (سعدی، ۱۳۶۵: ۸۸۷).

این نکته که سفارش جاوید و همیشگی سعدی به همه نظام‌های قضایی جهان در طول زمان است، در باب اول بوستان به کمال زیبایی در لفظ و معنی به صورت زیر نمودار می‌شود:

«نظر کن در احوال زندانیان
که ممکن بود بیگانه در میان»
(سعدی، ۱۳۶۵: ۲۲۱)

در جای دیگر به رعایت حال زندانیانی که دارای عزت و احترام بوده‌اند و از بد روزگار کارشان به زندان کشیده سفارش می‌کند: «خداوندان شوکت را چون بزندان فرستد، عزت و حرمت دارد و ملبوس و مأکول و مشروب و منکوح و ندیم و اسباب عیش مهیا دارد که معنی

یومان همینست که بینوایی نبرد. الدهر یومان: یوم لی و یوم لک (نسخه بدل: یوم لک و یوم علیک)» (سعدی، ۱۳۶۵: ۸۷۹ و ۸۸۰).

در این میان آنچه از دوران پیشی و نیز روشن اندیشی آن حکیم حکایت می‌کند و سیاست‌های جنایی کشورهای اروپایی پس از سال‌ها، تنها در سده اخیر به آن دست یافته‌اند، موضوع ضرورت حمایت از خانواده‌های زندانیان از بودجه عمومی است. یکی از معایب زندان - که در سده اخیر مورد تأکید دانشمندان جرم‌شناس و علوم اجتماعی قرار گرفته است - آن است که آثار زندان به‌عنوان مجازات تنها دامنگیر زندانی نیست، بلکه خانواده زندانی و زن و فرزندانش و والدین او نیز در این میان ناخواسته مجازات شده و بخشی از آسیب‌های اجتماعی دامنگیر آنها نیز می‌شود. به همین سبب ضمن تأکید بر اکتفا به صدور احکام زندان در مواقع ضروری و احتراز از صدور احکام زندان کوتاه‌مدت و نیز استفاده از مجازات‌های جایگزین، تأکید خاصی بر حمایت از خانواده‌های محکومان دارد. سعدی به این نکته که با آخرین پیشرفت‌های علوم جنایی و تجارب بشری همراه است، این‌گونه اشاره می‌کند: «پرورده نعمت را چون بجرمی که مستوجب هلاکت خون بریزد، اهل و عیالش را معطل نگذارد» (سعدی، ۱۳۶۵: ۸۷۹).

در بوستان نیز توجه به خانواده‌های زندانیان و رعایت اصل شخصی بودن مجازات‌ها را به زیبایی و رسایی زیر در اندیشه و بیان فصیح و بلیغ سعدی به‌گونه زیر می‌یابیم:

«وگر اندر تبارش کسان
بر ایشان ببخشای و راحت رسان
گنه بود مرد ستمکاره را
چه تاوان زن و طفل بیچاره را؟»
(سعدی، ۱۳۸۶: ۶۶)

در برخی موارد مشاهده می‌شود که به‌سبب غفلت و بی‌دقتی، متهمی یا محکومی مدت طولانی در زندان بلا تکلیف رها و در حقیقت مجازات مضاعف در مورد او اعمال می‌شود. در این مواقع، با رسیدگی و بازرسی دوره‌ای و بررسی پرونده‌ها و وضعیت هریک از آنان، می‌توان از خطاها و اشتباهات قضایی و نیز تحمیل هزینه بر فرد و جامعه جلوگیری کرد. جالب است که این موضوع نیز به‌نحوی مورد توجه جناب سعدی بوده است: «و در زندان بهر وقتی نظر فرماید و کشتنی بکشد و رهاکردنی رها کند و گناه کوچک را بقدر آن مالش دهد و بیگناه را دست باز دارد» (سعدی، ۱۳۶۵: ۸۹۳).

۵. جرم فعل ناشی از ترک فعل: یکی از موضوعات مهم در حقوق جزا، ارکان و عناصر سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی جرم است (گلدوزیان، ۱۳۸۱: ۱۵۹). عنصر قانونی مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون و عنصر مادی جرم شامل وقوع رفتار مجرمانه در عالم واقع و عنصر معنوی نیز آن است که عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شود. رفتار مجرمانه می‌تواند به‌صورت فعل، ترک فعل و جرم فعل ناشی از ترک فعل بروز یابد. بیشتر جرائم به‌صورت فعلی است که قانونگذار انجام آن را منع کرده است؛ مانند قتل و ضرب و جرح (فعل) و گاهی نیز

قانونگذار وظایفی را برای افراد مشخص کرده است که اگر افراد موظف، از انجام آن سرباز زنند، مجازات خواهند شد؛ همانند امتناع مرد از پرداخت نفقه همسرش (ترک فعل) (نوربها، ۱۳۸۷: ۱۸۵). در این میان، برخی اعمال و رفتارها باقی می‌ماند که اگرچه وظیفه قانونی افراد نیست، افراد به سبب حضور در جامعه انسانی از نظر اخلاقی موظف و مکلف به آنها هستند. برای مثال اگر شخصی ناظر وقوع عملی به ضرر دیگری باشد و ضمن توانمندی و قدرت بر جلوگیری از آن، به عمد از آن جلوگیری نکند و قانون نیز این مقدار ترک عمل را جرم نداند، در این موارد، در میان دانشمندان حقوق جزا این سؤال مطرح شده است که آیا این شخص را می‌توان به مجازات جرم اصلی کیفر داد یا خیر؟ همانند اینکه در بوستانی و در کنار استخر و حوضی نشسته باشد و نظاره گر غرق شدن کودکی در آن باشد، ولی در عین توانایی برای نجات کودک از هرگونه کمک خودداری کند. در این مورد و موارد مشابه حقوقدانان معتقدند از آنجا که در قانون، این گونه رفتارها پیش‌بینی نشده است، از این رو قابل مجازات نیست.

با مراجعه به گلستان درمی‌یابیم که این موضوع در اندیشه بلند سعدی به خوبی ظهور و سامان یافته است. سعدی در یکی از حکایات کتاب گلستان، به زیبایی و روشنی، ضمن طرح موضوع، حکم آن را نیز بیان کرده و بر الزام افراد به نودوستی و کمک به یکدیگر، فارغ از تکالیف قانونی و قراردادهای تأکید می‌کند. نایبانی در شرف سقوط به چاه است و شخصی که ناظر این صحنه است، به عمد سکوت اختیار می‌کند و اقدامی در خصوص جلوگیری از خطر و نجات شخص به عمل نمی‌آورد. نایبانی هم شامل معنای ظاهری و بی‌بصر بودن می‌شود و هم کنایه از بی‌بصیرتی و جهالت و گمراهی است. کلمه چاه نیز این چنین است:

«چو کاری بی فضول من برآید
مرا در وی سخن گفتن نشاید
وگر بینم که نایبنا و چاه است
اگر خاموش بنشینم گناه است»
(سعدی، ۱۳۶۶: ۶۷)

در این بیت سعدی دقیقاً یکی از موضوعات مهم و مطرح در حقوق جزای مدرن امروزی را مورد توجه و حکم قرار داده و به وضوح و روشنی فعل ناشی از ترک فعل را جرم و گناه و مستوجب کیفر و مجازات اعلام کرده است.

۶. قطعیت مجازات‌ها، قاطعیت در مواجهه با مجرمان: موضوع عفو و گذشت مجرمان در صورت اصلاح، از امور مسلم در حقوق جزا محسوب می‌شود. با این حال این موضوع نباید به تجری مجرمان و تکرار جرم، گسترش ناامنی و افزایش ارتکاب جرم و شرارت منجر شود. به همین علت تنها در موارد خاصی، موضوع عفو و گذشت مطرح می‌شود و در باقی موارد لازم است ضمن اعمال قاطعیت در برخورد با بزه و بزهکاران، مجازات‌ها را با هدف بازدارندگی، حمایت از جامعه، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان اجرا کرد. سعدی در چند موضع از

گلستان و بوستان، این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد و رحم و عفو کردن بدان و ظالمان و خبیثان را موجب تجری مجرمان و گسترش ظلم و ستم بر بی‌گناهان و مظلومان می‌داند:

«رحم آوردن بر بدان، ستمست بر نیکان عفو کردن از ظالمان جورست بر درویشان
خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی بدولت تو گنه می‌کند بانبازی»
(سعدی، ۱۳۶۵: ۱۷۲)

در حقیقت سعدی با این بیان حاکمان و قاضیان را به جدیت و قاطعیت در برخورد با مجرمان فرا می‌خواند و قطعیت در اعمال مجازات‌ها را مهم‌ترین راه برای دفاع از جامعه می‌داند. همچنین در کتاب نصیحه/الملوک، براساس نبوی شریف «لاشفاعه و لا کفاله فی الحد» حاکمان را با نثری رسا و کوتاه و گویا این‌گونه به قاطعیت با مجرمان و اجرای احکام الهی فرا می‌خواند: «قطع دزدان و قصاص خونیان به شفاعت دوستان در نگذرد» (سعدی، ۱۳۶۶: ۸۷۵). در جای دیگر از همین کتاب، از زبان انوشیروان بر این موضوع تأکید می‌کند: «انوشیروان عادل را که به کفر منسوب بود، به خواب دیدند در جایگاهی خوش و خرم؛ پرسیدنش که این مقام به چه یافتی؟ گفت: برمجرمان شفقت نبردم و بی‌گناهان نیاززردم» (سعدی، ۱۳۶۶: ۸۷۵). در بیت دیگری نیز به گونه‌ی زیر شدت عمل و مواجهه قاطع و بدون گذشت با مجرمان و جامعه‌سستیزان را به‌عنوان عاملی در جلوگیری از وقوع جرم و حفظ امنیت شهروندان معرفی می‌کند:

«سر گرگ باید هم اول برید نه چون گوسفندان مردم درید»
(سعدی، ۱۳۶۶: ۸۷۵)

همچنین در بوستان تأکید می‌کند همه‌ی اعمال و رفتار و تصمیم‌گیری‌ها باید براساس مدار و حکم شرع باشد و در صورتی که اعمال براساس شرع باشد، در انجام آن نباید تردیدی داشت و با قاطعیت باید آن را اجرا کرد؛ هرچند در ظاهر امر مهم و خطیری همانند به کیفر رساندن گناهکاران و گرفتن جانشان باشد:

«نه بر حکم شرع آب خوردن خطاست وگر خون به فتوی بریزی، رواست
کرا شرع فتوی دهد بر هلاک ألا تا نداری زکشتنش، باک»
(سعدی، ۱۳۸۵: ۶۶)

۷. نقش بزه‌دیده در وقوع جرم: در یکی از حکایات گلستان، داستان مردی نقل می‌شود که برای درمان چشم‌درد به بیطار و دامپزشکی، مراجعه می‌کند. بیطار نیز از داروهایی که برای درمان درد چارپایان استفاده می‌کرد، در چشم مرد کرد و در نتیجه چشم او کور شد و کار به شکایت و قضا و دادگاه و داور کشید. داور گفت: «برو هیچ تاوانی نیست، اگر این‌خر نبودی پیش بیطار نرفتی» (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

در این حکایت چند نکته است که به یک مورد از آن اشاره می‌شود: یکی از موضوعاتی که در چند دهه اخیر در حقوق جزا مورد توجه قرار گرفته است، موضوع نقش بزه‌دیده و قربانی در وقوع جرم و جنایت و ضرر و زیان و خسارت است. در این مجموعه مباحث که تحت عنوان «بزه دیده‌شناسی یا قربانی‌شناسی» مطرح است - و به صورت یک رشته علمی از گرایش‌های حقوق جزا در آینده در خواهد آمد - این نکته طرح می‌شود که علاوه بر مجرم، که سهم اساسی در ارتکاب جرم و بزه دارد، باید به نقش و سهم بزه‌دیده و قربانی در ارتکاب جرم نیز توجه شود. با بررسی وقایع جنایی و حوادث واقعه درمی‌یابیم که در بسیاری از موارد نحوه عمل و رفتار بزه‌دیده اعم از فعل و ترک فعل، نقش اساسی و محوری در وقوع جرم داشته است؛ به گونه‌ای که اقدام او زمینه را برای ارتکاب آسان جرم برای مرتکب فراهم آورده و در برخی موارد نیز نقش تحریک‌کننده در ارتکاب جرم داشته است. بر این اساس این پرسش مطرح می‌شود که در این گونه موارد با این گونه بزه‌دیدگان به عنوان یک بزه‌دیده و همچنین کسی که در بروز جرم سهم و نقش داشته چگونه باید برخورد کرد؟ آیا باید برای آنها نیز مجازاتی در نظر گرفت؟ آیا در این گونه موارد باید برای جانی و مرتکب تخفیفاتی در نظر گرفت و در حقیقت آیا این گونه موارد می‌تواند به عنوان جهات مخففه مجازات محسوب شود؟ این گونه سؤالات و مباحثات همچنان بین دانشمندان حقوق جزا مطرح است و تاکنون از نظر تقنینی پیشرفتی حاصل نشده است. در حکایت پیش گفته، سعدی این موضوع را به زیبایی و سادگی طرح و اقدام بزه‌دیده را تقبیح می‌کند و به سبب اتخاذ تصمیم نادرست در مراجعه به دامپزشک و بیطاری، هیچ‌گونه توانایی را برای مرتکب در نظر نمی‌گیرد:

«مردکی را چشم درد خاست، پیش بیطار رفت که دوا کن. بیطار از آنچه در چشم چارپای می‌کند در دیده او کشید و کور شد. حکومت، بداور بردند گفت: برو هیچ توان نیست، اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی. مقصود از این سخن آنست تا بدانی که هر آنکه ناآزموده را کار بزرگ فرماید با آنکه ندامت برد، بنزدیک خردمندان بخت رای منسوب گردد:

ندهد هوشمند روشن رای
بفرومایه کارهای خطیر
بوریا باف اگر چه بافنده است
نبرندش بکارگاه حریر»
(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۶۰)

۸. آیین دادرسی کیفری: بی تردید در روزگاران سعدی، علم و رشته‌ای با عنوان آیین دادرسی کیفری به شیوه امروزی نبوده، با این حال در تمام نظام‌های دادرسی در طول تاریخ - از جمله در روزگاران سعدی - شیوه‌هایی برای کشف جرم، تعقیب مجرم، تحقیقات و بازپرسی، محاکمه و اجرای حکم، مجازات و اصول و مقررات حاکم بر هر یک از این مراحل - که موضوع علم آیین دادرسی کیفری است - وجود داشته است، که با مرور آثار سعدی، می‌توان جلوه‌هایی

از آن را یافت. برای نمونه در نثر زیر، می‌توان چند نکته را، در چارچوب نظام آیین دادرسی در آن دوران، شناسایی کرد:

۸. ۱. **ادله اثبات دعوا:** یکی از ادله اثبات دعوا در محکمه، شاهد یا بینه است که با واژه «گواهی» مورد اشاره قرار گرفته است. شاهد و بینه نیز شرایطی دارد که یکی از آنها احراز صدق و راستی و امین و اهل ایمان بودن اوست که سعدی در فراز اول نثر زیر به آن اشاره می‌کند.

۸. ۱. **یافتن دلیل قطعی بر گناهکاری و مجرمیت متهم:** تا هنگامی که دلیل قاطعی بر مجرمیت و گناهکاری شخص در محکمه توسط قاضی و حاکم شرع، از طریق ادله پذیرفته‌شده شرعی ثابت نشود، اصل بر براءت و بی‌گناهی متهم است. به همین سبب در فقه اسلامی تأکید فراوانی بر احتیاط در دماء و اعراض افراد است و با اندک شبهه‌ای براساس قاعده درء (الحدود تدرأ بالشبهات) مجازات برداشته می‌شود و خطا کردن حاکم در عفو را آسان‌تر از خطا کردن در اعمال مجازات، به‌خصوص در مجازات‌های سالب جان می‌داند. این حقیقت که برگرفته از روایات متعدد از معصومین (ع) است و به‌صورت اصل قطعی در حقوق جزای اسلامی درآمده است، در فراز دوم نثر زیر و نیز نظم و بیت پس از آن، به‌خوبی آشکار است:

«گواهی بخیان‌ت کس نشنود، مگر آنکه دیانت گوینده معلوم کند و تا بغور گناه نرسد، عقوبت روا ندارد» (سعدی، ۱۳۸۵: ۸۷۵).

«صواب است پیش از کُشش، بند کرد که نتوان سر کشته پیوند کرد» (سعدی، ۱۳۸۶: ۶۵).

در این بیت سعدی می‌گوید در اجرای مجازات اعدام و قتل متهم تا قطعی نشدن گناهکاری و مجرمیت او تعجیل نکند و اقدام صحیح و صواب آن است که متهم را پیش از کشتن، مدتی زندانی کنند، زیرا اگر پیش از تحقیق و قطعیت مجرمیت، او را به قتل برساند و بعد به سببی خلاف آن ثابت شود، پشیمانی سودی ندارد و نمی‌توان سر کشته را پیوند زد و مرده را زنده کرد.

۹. **توبه و نقش آن در سقوط مجازات:** موضوع توبه در رشته‌های مختلف علمی همچون تربیتی، اخلاقی و فقهی و حقوقی از جنبه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در مجموعه گرایش‌های موجود در علم حقوق جزا، تلاش بر این است که با اقدام‌های پیشگیرانه، زمینه‌های ارتکاب جرم و بزه و تجاوز به حقوق فرد و جامعه برداشته شود و بدین‌وسیله از تمامیت آنها دفاع و محافظت شود. با وجود همه تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های تربیتی و فرهنگی، به علل و عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، گروهی از افراد به جامعه بزهکاران پیوسته و مرتکب اعمال ضداجتماعی می‌شوند و به همین سبب تمامی نظام‌های موجود در جامعه از جمله نظام حقوقی با راهکارها و شیوه‌های گوناگون در اصلاح مجرمان و بازگرداندن آنها به جامعه و از بین بردن خوی بزهکاری آنان، سعی می‌کنند. در این میان حقوق جزا با حربه مجازات، که کارکردهای گوناگونی دارد، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. از این منظر، یکی از اهداف اجرای مجازات‌ها، اصلاح مجرم، بازگشت او به اجتماع و رفع خطر جانی و

بزهکار، نسبت به اعضای جامعه است. در صورتی که بزهکار و محکوم از کرده خود پشیمان شود و اقدام به انجام کارهای پسندیده و خیر کند و در این رفتارها صادق باشد، وجدان بشری و نیز قوانین موضوعه، نسبت به اعمال مجازات بازنگری کرده و از او می‌گذرد و با این گذشت، زمینه بازگشت او را به اجتماع فراهم می‌کند. آیات و روایات فراوانی به موضوع توبه اشاره کرده و ضمن تشویق همگان به توبه و بازگشت به مسیر صحیح و سازنده، نسبت به برخورداری توبه‌کننده از عفو و رحمت الهی در دنیا و آخرت حکایت می‌کند. بر این اساس توبه با شرایطی به‌عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات در حقوق جزای اسلامی مورد اتفاق همه فقها و دانشمندان اسلامی است. تصمیم و عزم بر عدم بازگشت به اعمال مجرمانه و معاصی و انجام اعمال صالحه از شرایط اساسی توبه است. در این میان توبه‌ای موجب سقوط مجازات می‌شود که پیش از دستگیری صورت گرفته باشد و اگر پس از دستگیری و محکومیت ادعای توبه کند، از او پذیرفته نمی‌شود و مجازات جرائم و بزه‌های ارتكابی در حق او اعمال می‌شود. این موضوع در یکی از حکایات گلستان و در ضمن گفت‌وگوی قاضی با خطاکاری - که پس از دستگیری قصد توبه داشت - مورد اشاره قرار می‌گیرد و حاکم به شخص خاطی یادآور می‌شود که توبه پس از دستگیری و آگاهی یافتن از عاقبت جرم و بزه، سود و فایده‌ای نخواهد داشت:

«..قاضی دریافت که حال چیست. گفتا: از کدام جانب برآمد. گفت: از قبل مشرق. گفت: الحمدالله که در توبه همچنان بازست بحکم حدیث لایغلق علی العباد حتی تطلع الشمس من مغربها أستغفرک اللهم و اتوب الیک

این دو چیزم بر گناه انگیختند
گر گرفتارم کنی مستوجبم
ملک گفتا توبه درین حالت که بر هلاک اطلاع یافتی سودی نکند فلم یک ینفعهم ایمانهم
لما رأوا بأسنا» (سعدی، ۱۳۶۵: ۱۴۵).

گفتنی است با توجه به اهمیت توبه در سلوک معنوی و عرفانی، این موضوع در جای جای آثار گرانسنگ سعدی به چشم می‌خورد؛ تا آنجا که باب نهم بوستان به توبه اختصاص یافته و در آن حکایات گوناگونی در اهمیت و ضرورت و توصیه به توبه و بازگشت به راه صواب و شرایط آن نقل شده است.

در یکی از حکایات (باب ۱، حکایت ۲۲) سعدی (ره) حکم قاضی را فتوا - که یک عمل فقهی است - معرفی می‌کند. «قاضی فتوی داد که خون یکی از آحاد رعیت ریختن سلامت نفس پادشاه را رواست».

۱۰. مجازات‌ها: مجازات‌هایی که سعدی برای مجرمان در آثار خود به آنها اشاره می‌کند، در غالب موارد در چارچوب مجازات‌های اسلامی است که براساس فقه جزایی اسلام تعیین شده است. این مجازات‌ها، در چهار دسته حدود، قصاص، دیات و تعزیرات جای می‌گیرد که سعدی

به شکل‌های گوناگون به آنها اشاره می‌کند. در باب حدود به مجازات‌های حدی همچون سرقت اشاره می‌شود. مجازات جنایات عمدی نیز قصاص و مقابله به مثل است که با عنوان قصاص مورد اشاره قرار می‌گیرد. در باب تعزیرات نیز انواع مجازات‌ها همچون زندان و... به صلاحدید حاکم شرع، به چشم می‌خورد.

« قطع دزدان و قصاص خونین بشفاعت دوستان در نگذارد» (سعدی، ۱۳۶۶: ۸۷۵).

۱۱. وظایف و مسئولیت‌های حکومت و دولتمردان و حاکمان در قبال مردم: هر چند

در همه آثار سعدی می‌توان وجوه و انواع گوناگون اندرز به حاکمان در خصوص رعایت حقوق مردم و جامعه را دید - آنچنانکه در سطور پیشین نیز دیده می‌شود- با این حال، سعدی، رساله اختصاصی با عنوان نصیحه‌الملوک دارد که حاوی ۱۵۱ نکته اخلاقی و مدیریتی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضایی و نظامی است، که با متانت و مهابت در قالب پند و اندرز ارائه کرده است که از اهمیت و ضرورت توجه اندیشمندان و بزرگان به این امر که صلاح و فلاح دنیا و آخرت مردمان را در پی دارد، حکایت می‌کند. این اندرزها و توصیه‌ها حاصل مطالعات نظری و میدانی سعدی و برگرفته از مفاهیم و معارف عالی قرآنی و روایی و نیز حشر و نشر با گروه‌های مختلف اجتماعی از حاکمان و صاحب‌منصبان، علما و قضات و به عبارتی مسئولان کشوری و لشگری در سرزمین‌های مختلف است که با دقت بر اعمال آنها، نتیجه ارزیابی و تجویزی خود را در قالب پند و اندرزهای کوتاه و اثرگذار منثور و منظوم به ودیعت و یادگار گذاشته است. روح حاکم بر نصایح ۱۵۱ گانه سعدی در این رساله و همچنین مهم‌ترین توصیه‌ای که سعدی در طلایع این رساله به حاکمان و دولتمردان می‌کند، دعوت به عدل، احسان و انصاف است که رعایت آن سرمایه اجتماعی را در قالب همبستگی اجتماعی و اعتماد و تعامل و همراهی مردم و مسئولان به وجود می‌آورد و در نتیجه موجب توسعه و آبادانی و رفاه و پیشرفت و امنیت همه‌جانبه کشور و دولتمردان و مردم خواهد شد.

«پادشاهانی که مشفق درویشند، نگهبان ملک و دولت خویشند، به حکم آنکه عدل و احسان و انصاف خداوندان مملکت موجب امن و استقامت رعیت است و عمارت و زراعت بیش اتفاق افتد. پس نام نیکو و راحت و امن و ارزانی غله و دیگر متاع به اقصای عالم برود و بازرگانان و مسافران رغبت نمایند و قماش و غله و دیگر متاعها بیارند، و ملک و مملکت آبادان شود و خزاین معمور و لشکریان و حواشی فراخ دست، نعمت دنیا حاصل و به ثواب عقبی واصل، و اگر طریق ظلم رود برخلاف این؛

ظالم برفت و قاعده زشت از او بماند
عادل برفت و نام نکو یادگار کرد»

نتیجه گیری

براساس نتایج این پژوهش می توان گفت سعدی با نظام حقوقی اسلام به خوبی آشنا بوده و در جای جای آثارش، به فراخور حال، به گوشه هایی از آن در قالب حکایت و نصیحت و... اشاره کرده است. بر این اساس می توان ارکان یک اندیشه استوار در مسائل حقوقی و نظام قضایی را در آثار سعدی شناسایی کرد. همچنین مفاهیم و موضوعاتی مربوط به حقوق اساسی و عمومی، حقوق دیوانی و اداری، حقوق جزای عمومی و اختصاصی، آیین دادرسی را می توان یافت که سعدی آنها را به نظم و نثر و به قلم و بیان شیوای خود ماندگار کرده است. عدالت، نظم اجتماعی، وظایف حاکم و والی و دولتمرد در رعایت حقوق مردم، فلسفه مجازات، لزوم تناسب بین جرم و مجازات و توجه به بازدارندگی مجازات، توبه و اصلاح مجرم، حقوق متهم و محکوم، زندان و زندانی و خانواده زندانیان، قضاوت و قاضی و شرایط آن، ادله اثبات دعوا و حتی توجه به مجازات های جایگزین و نکاتی دیگر را یافت که از بزرگی اندیشه، دانش، قلم و بیان سعدی حکایت دارد. از سوی دیگر موضوعات و مسائل فقهی، حقوقی و قضایی موجود در آثار سعدی با قواعد و اصول فقهی و حقوقی اسلام انطباق بالایی دارد. هرچند در پاره ای موارد نیز نه به عنوان احکام قضای اسلامی، که براساس رأی پادشاه و حاکم جور، مجازات و حکمی را نقل می کند. گفتنی است این نکته نیز نامعلوم ماند که تا چه حد حکایت نقل شده، واقعیتی بیرونی داشته و تا چه حد از تصور و خیال سعدی برخاسته است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب ها

۱. ای. زند، میخائیل (۱۳۵۶)، نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران، ج. اسدپور پیرانفر، تهران: پیام.
۲. اقبال، عباس (۱۳۱۲)، تاریخ مفصل ایران - از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، تهران.
۳. بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن) (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. دشتی، علی (۱۳۳۸)، قلمرو سعدی، تهران: کیهان.
۵. رزمجو، حسین (۱۳۶۶)، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
۶. ریپکا، یان (۱۳۵۴)، تاریخ ادبیات ایران، عیسی شهابی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۶)، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران: علمی.

۸. سرخوش، سوسن (۱۳۸۳)، جزوه درس روش‌های کیفی.
۹. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۵)، کلیات؛ به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیرکبیر.
۱۰. ----- (۱۳۸۶)، متن کامل و صحیح بوستان سعدی، چ دوم، به اهتمام منصور مهرنگ؛ تهران: نیل.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران: ابن‌سینا.
۱۲. ----- (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، تهران: فردوس.
۱۳. طالب، مهدی (۱۳۸۰)، شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۱)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، چ ششم، تهران: میزان.
۱۵. موحد، ضیاء (۱۳۷۳)، سعدی، تهران: طرح نو.
۱۶. نوربها، رضا (۱۳۷۸)، زمینه حقوق جزای عمومی، چ ششم، تهران: دادآفرین.
۱۷. یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۹)، بوستان سعدی، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.

ب) مقالات

۱۸. فقیه ملک مرزبان، نسرین؛ فردوسی، مرجان (۱۳۹۱)، «گفتمان حکومتی در گلستان سعدی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، ش ۳.